

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.341739.3449>

Abstract

Today, the development and implementation of legal and judicial reforms in line with economic development, according to many experts, is one of the most important and serious duties of governments. The study of substantive and formal criminal laws indicates that the judicial structure of Iran, in the field of moving towards the liberalization of the state economy and privatization, especially in the face and fight against economic crimes and business and commerce of the capacities and capabilities of modern criminal law It has not benefited enough and the judiciary does not have enough authority. It seems that the criminal justice system can work with systematic mechanisms in eliminating, decriminalizing and punishing crimes in the field of business and creating grounds for benefiting from restorative justice methods, including mediation on the one hand and, most importantly, Establishing differential proceedings in the fight against economic crimes disrupting economic security, such as forming a special police, establishing a central economic judicial complex in criminal protection of privatization and establishing market order, helping the healthy activities of domestic and foreign investors to achieve economic growth and development Play an important role.

سیاستگذاری کیفی نظام قضایی در خصوصی سازی و توسعه اقتصادی

امیرحسین رهگشا¹امیر پاک نهاد²حسین جلالی³

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

امروزه توسعه و انجام اصلاحات حقوقی و قضایی همگام با توسعه اقتصادی به باور بسیاری از صاحب نظران از وظایف حتمی و جدی حکومت ها به شمار می رود. بررسی قوانین کیفی ماهوی و شکلی حاکی از این است که ساختار قضایی ایران، در عرصه حرکت به سمت آزاد سازی اقتصاد دولتی و خصوصی سازی بخصوص در مواجهه و مبارزه با جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار و تجارت از ظرفیت ها و توانایی حقوق کیفی مدرن بهره کافی نبرده است و مراجع قضایی از اقتدار کافی برخوردار نیستند.

کلمات کلیدی: نظام کیفی، خصوصی سازی، دادرسی افتراقی

¹استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

²استاد

³دانشجو دکتری

از آنجایی که نظام قضایی یک زیر ساخت نهادی است که توسط دولت عرضه می شود انعکاس دهنده اقتدار دولت است. یک نظام قضایی ضعیف قادر است فساد را ترویج دهد که این امر نه تنها منجر به تحمیل هزینه های مالی بیشتری بر کارآفرینان خواهد شد بلکه باعث کاهش سرعت کسب و کار و تجارت نیز می شود. در واقع عملکرد نهادهای قضایی در رشد و توسعه اقتصادی و فعالیت های کارآمد بنگاههای اقتصادی نقشی حائز اهمیت دارد. نظام قضایی به ویژه کارآمدی دادگاهها به عنوان یکی از مهم ترین اصلاحات نهادی برای ارتقا عملکرد بازارها و حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی فعالان اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

اثرات نظام قضایی کیفی کارآمد می تواند محیط کسب و کار را امن و پیش بینی پذیر کند و بالعکس فقدان کارآمدی و اقتدار نظام قضایی سبب افول حاکمیت قانون و کاهش امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری و رشد اقتصادی می شود.

تأثیر گذاری و ملاحظه نظام قضایی در حوزه های مختلف در رسیدگی و مبارزه با جرایم اقتصادی به صورت عام و در حوزه کسب و کار و تجارت به صورت خاص می تواند وجود داشته باشد. اعتماد به دستگاه قضایی، سهولت دادخواهی، سرعت رسیدگی به پرونده ها، رسیدگی عادلانه و بی طرفانه، کاهش هزینه های دادرسی، استقلال قوه قضاییه و حتمیت و اجرایی شدن احکام قضایی از نمودهای یک دادرسی عادلانه و سبب ایجاد بهبود در محیط کسب و کار است.

بر همین اساس بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اصلاحات قضایی را به عنوان شرط ضروری برای سرمایه گذاری در اولویت خود قرار داده اند. در حقوق کیفری ایران، علیرغم شروع و تداوم خصوصی سازی در راستای قانون سیاست های کلی اجرای اصل 44 قانون اساسی مصوب ۸/۱۱/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی که با هدف آزاد سازی اقتصاد دولتی و توسعه اقتصادی کشور شروع شده است نظام قضایی بسترهای لازم را برای حمایت کیفری از خصوصی سازی و بخش خصوصی فراهم و تدارک ندیده است. بنابراین چون تعدادی از بنگاههای اقتصادی در یک فضای رقابتی با هدف دست یافتن به رشد و فروش، افزایش سهم بازار و نهایتاً درآمد و سود مرتکب جرایم و تخلفاتی می گردند. و همچنین عده ای با ارتکاب جرایم اقتصادی، نظام اقتصادی کشور را مختل می نمایند. در نتیجه مبارزه با این جرایم که در دنیای امروز از پیچیدگی و ویژگی های خاصی برخوردار است افتراقی شدن رسیدگی به این جرایم را امری اجتناب ناپذیر ساخته است. لذا نظام کیفری می تواند با استفاده از ظرفیت های لازم از جمله تشکیل مجتمع قضایی مرکزی ویژه مبارزه با جرایم اقتصادی و کسب و کار اعم از پلیس قضایی، دادسرا، دادگاهها و آموزش مداوم پرسنل و قضات رسیدگی کننده به این جرایم و با کیفر زدایی و اعمال تناسب جرم و مجازات، تسریع در رسیدگی ها، رسیدگی های عادلانه و منصفانه، بخصوص با کاهش و تعدیل مداخله کیفری افراطی در حوزه های کسب و کار موجبات حمایت و موفقیت خصوصی سازی و توسعه اقتصادی کشور را فراهم نماید.

بند ۱) فراهم کردن موجبات رسیدگی سریع و منصفانه

افزایش حجم ورودی پرونده های قضایی به دادگاهها یکی از معضلات دستگاه قضایی و موجب دلسردی فعالان اقتصادی اعم از تجار، شرکت های تجاری و اصناف در بازار شده است.

به عبارتی یکی از جلوه های دادگستری نوین و کارآمد دسترسی سریع و به هنگام به دادگستری است. اصل دسترسی سریع که از جمله اصول راهبردی حاکم بر عدالت آیینی تلقی می شود. در پی تسریع اجرای عدالت بوده و در بردارنده اصل استاندارد سازی، زمان دادرسی بر اساس فنآوری اطلاعات و ارتباطات است. اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی و بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به این اصل اشاره دارد.

در این میان سرعت رسیدگی در دعاوی حقوقی و کیفری تجاری و جرایم اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا دعاوی تجاری و کسب و کار بر چهار اصل بنیادین تقویت اعتبار، سرعت، ثروت و تخصصی بودن دعاوی تجاری استوار شده است. اصل تقویت اعتبار دلیل محکمی برای ایجاد دادگاه ویژه دعاوی حقوقی و کیفری تجاری است. زیرا باید دادگاهی باشد تا قاضی متخصص بتواند رسیدگی و قضاوت کند. اگر قاضی متخصص نباشد اصل تقویت اعتبار دادگستری مخدوش می شود و رویه قضایی در این راستا اتفاق نظر دارند. اصل سرعت در رسیدگی مؤثرتر از همه این عوامل است. هر چقدر میزان تشریفات و زمان رسیدگی در دعاوی تجاری کمتر باشد رکود ثروت کمتر رخ می دهد و امکان معاملات تجاری و رد و بدل شدن اسناد تجاری مانند چک و سفته و ... بین شرکت های تجاری بازرگانان تسهیل می گردد و بازار سرمایه رونق بیشتری دارد و تجار اطمینان دارند که در اسرع وقت به دعاوی آن ها در محاکم قضایی رسیدگی دقیق، عادلانه و منصفانه صورت می گیرد و به مطالباتشان دست پیدا می کنند. آشنا بودن قضات به اصول و مفاهیم تجارت و داشتن استقلال رای، داشتن تخصص در امور تجاری و استفاده از اهرم های قانونی اجرای موقت حکم، استفاده از کارشناسان رسمی دادگستری و حسابداران قضایی مجرب در امور تجاری می تواند در کم کردن زمان رسیدگی به پرونده های جرایم اقتصادی راهگشا باشد و این مستلزم آموزش مستمر قضات در شناسایی، تشخیص و آشنایی با شگردهای مجرمان جرایم اقتصادی و تجاری است. قدم های خوبی از طرف قوه قضاییه در استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی (سامانه ثنا) در سال های اخیر برداشته شده که نقش مؤثری در کاهش دعاوی و سرعت رسیدگی ایفا نموده است.

بند ۲) کیفرزدایی در حوزه کسب و کار و تجارت

کیفرزدایی جلوه های از اعتدالگرایی در حقوق فعالیت های اقتصادی است. در واقع، با تکیه بر مبانی مصلحت و عدالت می توان از حقوق فعالیت های اقتصادی کیفرزدایی نمود. طبیعتاً در این راستا باید تلاش کرد که ابزارهای شدید حقوق کیفری را صرفاً برای مجازات رفتارهای واقعاً مضر و متقلبانه در عرصه این نوع فعالیت ها محفوظ نگاه داشت.

از طریق تجدیدنظر نسبت به قواعد راجع به تکرار جرم در خصوص جرایم اشخاص حقوقی می توان به نوعی در این عرصه دست به کیفرزدایی زد. همان می دانیم، تکرار جرم یکی از مؤلفه های تشدید مجازات تلقی شود. قانون اگر چه در ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی با به کار بردن کلمه هر کس، این تصور موهوم را به وجود آورده است که مقررات راجع به تکرار جرم صرفاً در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است، اما تردید نباید کرد که این خبط لفظی به هیچ عنوان مانع آن نخواهد بود که قضات دادگاه ها در خصوص تکرار جرایم اشخاص حقوقی نیز به ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی استناد کرده و مجازات آنها را تشدید نمایند. در این شرایط، یکی از روش های کیفرزدایی از جرایم کسب و کار می تواند بازنگری در قواعد راجع به تکرار جرم در قلمرو فعالیت های اشخاص حقوقی باشد. به این صورت که قانون گذار، موضوع تکرار جرم را در زمانی مورد

اشخاص حقوقی محقق بدانند که مجازات جرم نخستین یا جرم دوم یا هر دوی آنها از میزان مشخصی که عبور می‌کند که ((مقررات مربوط به تکرار جرم در جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال اعمال نمی‌شود)) قطعاً تحت تأثیر مصالح و منافع اجتماعی چنین تصمیمی گرفته است و این مصلحت‌سنجی در مورد تمام یا برخی از جرایم اشخاص حقوقی نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

مفهوم کیفرزدایی شامل کلیه اشکال تراکم زدایی از سیستم کیفری می‌شود. در این زمینه تغییر وصف یک جرم از «جنایت» به «جنحه» ممکن است به عنوان کیفر زدایی تلقی گردد. این موضوع در مورد کیفرهای سالب آزادی، آنگاه که ضمانت اجرای دیگری که دارای آثار منفی کمتر یا دارای اثرات جانبی کمتری هستند (مانند جزای نقدی، تعلیق مراقبتی و یا قرارهای خاص دادگاه و غیره) جایگزین آنها می‌شوند نیز صادق است. آیا کیفرزدایی باعث بی‌نظمی می‌شود؟ ابتدا لازم است بیان شوی که بی‌نظمی به معنای نبود نظم نیست بلکه برعکس، بی‌نظمی حکایت از وجود نظم دارد. پس آیا کیفرزدایی از طریق حذف وضعیت کیفری موجود و دستکاری مجازات و جرائم بی‌نظمی بوجود می‌آید، با حذف مقررات و دستکاری در نظام جرائم و مجازاتها خود منشاء بی‌نظمی نیست.

پس از آن نهادها، نهادهای دادرسی و مبتنی بر محاکمه خود مستلزم اختصاصی شدن است و تعیین مراجع خاصی که به جرایم کسب و کار رسیدگی می‌کنند، خواه در سطح دادگاه کیفری یک و خواه در سطح دادگاه کیفری دو، ضرورت دارد. نکته ی مهم دیگری که می‌تواند حکایت از رویکرد مقدم بر رسیدگی قضایی - کیفری تلقی گردد، در تبصره 2 ماده 72 قانون نظام صنفی کشور مصوب 1392 پیش بینی شده است. به موجب این مقرر «رسیدگی بدوی به تخلفات موضوع مواد 57 (گران فروشی)، 58 (کم فروشی)، 59 (تقلب)، 60 (احتکار) و 63 (عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع) در مواردی که موضوع شکایت شاکی یا گزارش بازرس حامی از تخلف بیش از سه میلیون (3000000) ریال است، توسط هیئتی متشکل از یکی از رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت با دعوت از شاکی و مشتکی عنه انجام خواهد شد.» این امر خود تلاشی است بر بازگرداندن اعتماد عمومی به فضای کسب و کار و عدم احاله رسیدگی‌های سبک به مراجع قضایی و تعیین کیفر است. هر چند مقررات این ماده از کاستی‌هایی نیز در به دلیل بی‌ضابطگی برخوردار است، اما رویکرد تقنینی مبتنی بر قضازدایی در آن قابل توجه است.

بند 3) رویکرد دادرسی افتراقی در جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار و تجارت

با توجه به دشواری‌های احراز و کشف، شناسایی مرتکبان و نیز تعقیب کیفری جرائم در حوزه کسب و کار، مقتضی است که در قالب ایجاد الگوی جامع تعقیب از ضابطین خاص گرفته تا مراجع تعقیب، تحقیق و دادرسی متناسب ایجاد و به موجب آموزش‌های اختصاصی مرتبط، عملکرد اختصاصی آنها تقویت گردد؛ زیرا همان طور که اشاره شده است، توجه و پیاده سازی یک راهبرد نظام مند که در آن به بحث بازدارندگی، کاهش ریسک تکرار جرائم از طریق راهبرد مدیریتی، اتخاذ تعقیب کیفری بدون لطمه به اجرای کلان و خرد اقتصادی و غیره، همه و همه نیازمند اختصاصی نمودن دادرسی کیفری در حوزه جرائم کسب و کار است. اینکه ضابط قضایی خاصی در خصوص جرائم حوزه کسب و کار ایجاد شود می‌تواند در کنار دیگر حوزه‌هایی که به موجب قانون دارای ضابط خاص و یا مستلزم آن با بستر مشابه در ماده 31 قانون آیین دادرسی

کیفری 1392 هستند پیشنهاد مهمی است. بدیهی است که همین قیاس در رابطه با لزوم حسن اجرای وظایف در رابطه با جرائم حوزه کسب و کار قابل اعمال است و نتیجه این قیاس لزوم وجود قدرت قابل توجه در تعقیب این جرائم خواهد بود. به منظور تقویت فعالیت ضابطان قضایی خاص لازم است چالش‌های تقنینی و قضایی متعدد موجود برطرف گردد. در قالب سازمانی تعقیب و تحقیق، تخصیص دادرسی ویژه امور اقتصادی نیز با همان استدلال سابق الذکر، مبنی بر لزوم تفکیک جرائم اقتصادی از جرائم کسب و کار، نمی‌تواند پاسخگوی لزوم تخصصی بودن رسیدگی و تحقیق از جرائم حوزه کسب و کار گردد.

ابزار پیشیمانی جلوی اجرای مجازات محکوم پیشیمان را می‌گیرد. در واقع قانون برای تشویق مجرمان اقتصادی و بازرگانی به افشای اقدام‌های مجرمانه خود بدون هیچ گونه نگرانی، تمهیدهایی حقوقی برای تضمین عدم اجرای مجازات در نظر گرفته است. در واقع، قانون‌گذار به نوعی این افراد را به افشای اسرار بازرگانی و اقتصادی خود (بدون هیچ گونه تحمیل و فشار قانونی) به منظور کشف حقیقت و این صورت و زمانی که وی اطلاعات دروغ دهد، سخت مجازات خواهد شد.

زمانی که ابزار پیشیمانی مجرم از ارتکاب جرمی به طور کامل جلوگیری کند، امکان اسقاط مجازات وی بسیار است. اما، زمانی که این افشای جرم فقط به دستگیری مرتکبان پس از ارتکاب جرم بینجامد، قانون‌گذار فقط کاهش مجازات را مقرر کرده است. با وجود این، دادرس در صدور رای نسبت به عفو کامل وی یا تخفیف مجازات کاملاً آزادانه است و حسب همکاری مجرم می‌تواند به او امتیاز دهد.

پس از وضع قانون پربین 2 مورخ مارس 2004، تمهیدهای قضایی نسبت به روش ابزار پیشیمانی کامل شد، از این پس، تمام شرایط در مورد ابزار پیشیمانی کامل شد، از این پس، تمام شرایط در مورد ابزار پیشیمانی در ماده 78-132 مجموعه قوانین کیفری پیش بینی شده است: «شخصی که شروع به ارتکاب جنحه یا جرمی کرده است اگر با آگاه کردن مسئولان اداری یا قضایی مربوط از تحقق جرم جلوگیری کرده و در صورت مقتضی دیگر مرتکبان و شریکان جرم را شناسایی کند مجازات اش طبق قانون ساقط می‌شود. در زمانی که قانون پیش بینی کرده باشد، مجازات زندان برای مرتکب جنحه یا جرمی که مسئولان اداری یا قضایی را به نحوی آگاه کند که بتواند از وقوع آن جلوگیری کرده و دیگر مرتکبان و شریکان را معرفی کند کاهش خواهد یافت.

وضعیت شق قبلی شخصی را که از تحقق جرم یا جنحه مرتبگی که برای آن تحت پیگرد است نه نحوی از انحنای جلوگیری کند نیز شامل می‌شود. همچنین، اگر این شخص از تحقق خسارت ناشی از چنین جرم یا جنحه‌ای جلوگیری کند یا مرتکبان و شریکان آن را معرفی کند شامل مقررات قبلی خواهد شد.»

حتی محافظت از فرد پیشیمان پس از افشای جرم نیز در قانون مقرر شده است. در واقع، این زمانی است که ابزار پیشیمانی باعث انهدام و متلاشی شدن یک سازمان مجرمانه خطرناک شده باشد که دست اندرکاران آن به هر شیوه‌ای خواهان حذف فیزیکی فرد پیشیمان باشند. در مورد جرم‌های سازمان یافته این فرض بیش از پیش صادق است.

ابزار پیشیمانی جلوی اجرای مجازات محکوم پیشیمان را می‌گیرد. در واقع قانون برای تشویق مجرمان اقتصادی و بازرگانی به افشای اقدام‌های مجرمانه خود بدون هیچ گونه نگرانی، تمهیدهایی حقوقی برای تضمین عدم اجرای مجازات در نظر گرفته است. در واقع، قانون‌گذار به نوعی این افراد را به افشای اسرار بازرگانی و اقتصادی خود (بدون هیچ گونه تحمیل و فشار قانونی) به منظور کشف حقیقت و گردآوری اطلاعات درباره

جرم‌های ارتكابی یا در حال ارتكاب سوق می‌دهد. در عوض، این مجرمان از برخی امتیازهای قضایی بهره مند می‌شوند. در واقع سامانه ابزار پشیمانی یکی از ابزارهای سیاست جنایی پیشگیرانه برای محافظت از امنیت و ثبات اقتصادی جامعه است.

می‌توان گفت که مجرم پشیمان با سامانه قضایی به «چانه زنی» می‌پردازد مصونیتی که قانون به مجرم پشیمان در چهارچوب سامانه ابزار پشیمانی می‌دهد، نوعی مصونیت محاسبه شده است که با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و حمایت و محافظت از جامعه توجیه می‌شود.

اعطای این مصونیت و اسقاط مجازات فقط در رای دادگاه و از سوی دادرس صلاحیت دار صورت می‌گیرد. البته، این مصونیت هنگامی اعطا می‌شود که گفته‌های فرد پشیمان اعتبار داشته باشد. در غیر این صورت و زمانی که وی اطلاعات دروغ دهد، سخت مجازات خواهد شد.

بند 4) ضرورت تعامل نهادهای تعقیب کیفری جرم اقتصادی با نهادهای نظارتی

علی‌رغم تلاش‌های مقامات تعقیب، در کشف و تعقیب جرایم اقتصادی، برخی از حوزه‌های این جرم به اندازه‌ای طبیعی جلوه می‌کند که احتمال کشف آن از سوی پلیس یا یگر نهادهای ذیربط وجود ندارد، هر چند که آنها همه تلاش خود را به کار گیرند. دستگاه‌های نظارتی بانک‌ها و سازمان‌های دولتی معمولاً به دلیل درون سازمانی بودن و حیثیت سازمانی، جرایم مالی را افشا نمی‌کنند. از آنجا که جرایم واقع شده حکایت از سهل‌انگاری در دستگاه‌های محل وقوع جرم دارد بنابراین سعی می‌کنند قبل از اینکه به آنها رسیدگی شود بر آن سرپوش بگذارند و مانع از افشای جرم شوند. در این موقعیت، اطلاعات مؤسسات مالی، حسابداران، وکلا و دیگر افرادی که به موجب قانون متعهد به گزارش معاملات مشکوک شده‌اند بسیار اهمیت پیدا می‌کند. دولت باید برنامه‌ای تهیه کند که به موجب آن اهمیت مبارزه با جرایم اقتصادی توسط مدیران شرکت‌ها و بخش‌های تجاری و اقتصادی جدی گرفته شود و بر رابطه بیشتر میان مدیران شرکت‌ها و پلیس به منظور شناسایی رفتارهای غیرقانونی مبتنی باشد. دولت همچنین باید شبکه کارکردی میان این نهادها را توسعه دهد.

بند 5) ایجاد مجتمع مرکزی ویژه مبارزه با جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار

گسترده‌گی تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، کسب و کار و تجارت در زندگی روزمره افراد جامعه بخصوص در روابط معاملاتی بازرگانان از یکطرف و پیچیدگی و فنی و تخصصی بودن این فعالیت‌های اقتصادی از طرف دیگر موجب شده نظام حقوقی با یک حقوق فنی و خاص مواجه باشد. مصادیق متعدد جرایم اقتصادی مانند جرایم قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، جرایم کمرگی، جرم پول شویی، احتکار، تسهیلات بانکی غیرمجاز، کلاهبرداری، مواد مخدر، و ... سبب شده که ادارات و سازمان‌های اداری متعددی به مناسبت وظایف متولی امور سیاست گذاری، هدایت و نظارت بر این شاغل بخصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی در این جرایم باشند. در بیشتر این سازمان‌ها یک واحد اداری تحت عنوان حراست یا ضابط اداری، پلیس اداری یا واحد نظارت و بازرسی این وظایف را عهده دار هستند. در تمامی این سازمان‌ها این واحدها مکلفند که گزارش جرایم را به مقامات دادسرا اطلاع دهند تعقیب و انجام تحقیقات مقدماتی را به ضابطین عام و خاص ارجاع می‌نمایند. این تعدد مراجع کشف و تعقیب جرایم در حوزه‌های گوناگون معضلاتی را در مبارزه نظامند و اصولی با جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار و تجارت ایجاد کرده تا جایکه یک رویه مستعد شکل و هدفمند در تمامی

این جرایم دیده نمی‌شود اغلب کارکنانی که در این واحدها مشغول به کار هستند از تخصص و مهارت لازم برخوردار نیستند.

این خلاء قانونی نبودن یک مرکز و ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی سبب شد که در راستای فرمان هشت ماده‌ای مورخ 1380/2/10 مقام معظم رهبری ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل شود و همچنین در طرح مبارزه با جرایم اقتصادی مجلس شورای اسلامی تشکیل یک سازمان مرکزی به نام سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که شاکله آن را شورای سیاستگذاری تشکیل می‌دهد پیش بینی گردد.

اگرچه تصویب قانون این طرح تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده ما راه اندازی این ستاد و گسترش آن در قالب یک مجتمع تخصصی قضایی و اجرایی متمرکز و غیره جرایم اقتصادی و کسب و کار مافوق تمامی واحدهای انتظامی، پلیسی، نظارت و بازرسی سازمان‌های درگیر مبارزه با جرایم اقتصادی امری ضروری بوده است و می‌تواند امر مبارزه با جرایم اقتصادی را ساماندهی مطلوب نماید.

بند 1-5) ایجاد پلیس قضایی در جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار

در ایران نیروی انتظامی به موجب بند 1 ماده 15 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 و بند 8 ماده 4 قانون نیروی انتظامی مصوب 1369، ضابط عام دادگستری بوده و وظیفه کشف جرایم را بر عهده دارد. با این حال به نظر می‌رسد موقعیت و منصب مرتکبان فساد اقتصادی از یک سو و ضرورت تخصص‌گرایی در تحقیقات از سوی دیگر ایجاب می‌کند تا نیروی انتظامی به این مهم توجه نماید. در غیر این صورت انبار و مدارکی که در مراحل اولیه کشف جرایم وجود دارند نامشکوف باقی مانده و یا به آن‌ها توجهی نمی‌شود. با توجه به خصوصیت‌های فوق نیروی انتظامی اقدام به تشکیل پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در ادارات آگاهی شهرستان‌ها نموده است. بدیهی است اگر نیروی مزبور فاقد کارشناس امور اقتصادی بوده و به نیروهای آن آموزش‌های تخصصی در امور اقتصادی داده نشود نیروی انتظامی موفقیت‌چندانی در کشف، تحقیقات و مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی نخواهد داشت. شاید از این جهت باشد که در عمل ادارات مبارزه با جرایم اقتصادی پیش‌تر به مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌پردازند. چنین امری سبب شد تا زمزمه‌های پیرامون تشکیل پلیس تخصصی اقتصادی از مسئولان شنیده شود. اما در نهایت وقعی به آن نهاده نشد. و سرانجام پس از بازتاب رسانه‌ای بسیار در پرونده موسوم به فساد سه هزار میلیارد تومانی بحث تشکیل پلیس اقتصادی قوت گرفت به گونه‌ای که حتی مقامات عالی انتظامی به صراحت اذعان داشتند. چندین سال است پیشنهاد تشکیل نیروی مزبور مطرح شده اما بی توجهی نسبت به آن سبب شده تا در پی بحران پیش آمده به این ضرورت توجه شود.

تشکیل پلیس اقتصادی سرانجام در طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی در مورخ 1391/12/2 به مجلس تقدیم شد و مورد پیش بینی قرار گرفت. بدین توضیح که مطابق ماده 6 طرح فوق، رئیس سازمان موظف است با همکاری مراجع اطلاعاتی و انتظامی از طریق گزینش تعدادی از بهترین نیروهای زیربط که دارای حس سابقه و انضباط مالی و کاری باشند نسبت به تشکیل ضابطان خاص جرایم اقتصادی تحت عنوان نیروی واکنش سریع جرایم اقتصادی اقدام نماید. هر چند با توجه به فقدان ضابطان تخصصی در ساختار کنونی، تشکیل پلیس اقتصادی می‌تواند در حفظ آثار و دلایل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن متهم و جلوگیری از فرار یا محقق شدن او و انجام سایر وظیفه ضابطان مؤثر واقع شود اما این نکته را نباید فراموش کرد که در ساختار فعلی نیروی انتظامی، فعالیت مأموران اداره زیربط مبارزه با جرایم اقتصادی بیشتر

بر مبنای تجربه شخصی صورت گرفته و آموزش‌های تخصصی در ارتباط با جرایم و مسائل اقتصادی به آن داده نشده است.

از این رو انتظار می‌رود در طرح سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی این مهم مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد در این مورد هر چند در ماده 43 این طرح به ایجاد رشته حقوق کیفری اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم انتظامی و به کارگیری فارغ التحصیلان این رشته در نیروی انتظامی اشاره نموده است اما الزامی برای به کارگیری آن‌ها در ماده طرح، ذکر نشده و صرفاً به معیارهایی همچون انضباط مالی و کاری و حسن سابقه اکتفا شده است. این پلیس اقتصادی می‌تواند دارای شاخه‌های تخصصی در زمینه جرایم مالی و اداری، جرایم کسب و کار (تجارت)، جرایم امنیتی، اقتصادی، مالیاتی، بانکی، داشته باشد. البته مبارزه مستلزم تعامل و همکاری تمامی دستگاه‌های اداری، امنیتی، اطلاعاتی و اجرایی کشور می‌باشد. که اطلاعات فنی لازم و کامل را در اختیار این پلیس قرار دهند.

ایجاد پلیس امنیت اقتصادی از طرف مقامات عالی پلیس کشور شروع شده و به شش جرم عمده اقتصادی، شامل زمین خواری، پول شویی، قاچاق کالا، فرار مالیاتی، وام‌ها و تسهیلات غیرمجاز و به صورت خاص و جرایمی که عنوان اقتصادی دارند رسیدگی می‌نمایند.

ایده و هدف اصلی تشکیل این پلیس اقتصادی در سیاست کیفری اجرایی این است قبل از اینکه جرمی شکل بگیرد از وقوع آن پیشگیری به عمل آید و در صورت وقوع با همکاری تمامی ادارات، وزارت خانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه‌های اقتصادی با آن مبارزه نمایند تا روابط اقتصادی سالم در زمینه کسب و کار، تجارت و استقرار امنیت اقتصادی در کشور در نظام تولید، توزیع و مصرف حاکم گردد تا چرخه‌های اقتصادی کشور دچار اختلال نگردد. چون یکی از اشکالات حوزه اقتصادی تنوع فعالیت‌های اقتصادی و پیچیدگی وقتی بودن این فعالیت‌ها است.

بند 2-5) تشکیل مراجع عالی تخصصی تجدیدنظرخواهی، اعاده دادرسی و فرجام خواهی در جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار

قوه قضائیه با اشراف بر اینکه رسیدگی جرائم اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است و پیچیدگی و فنی بودن رسیدگی و کشف این جرائم، نیازمند نوعی دادرسی افتراقی است و این جرائم معمولاً توسط اشخاص صاحب نفوذ و یقه سفید به وقوع می‌پیوندد. شائبه و نگرانی فشار و اعمال نفوذ آن بیشتر از جرائم معمولی می‌داند.

لذا طی دستورالعمل مصوبه 1398/5/13 تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران، را بر اساس ماده 211 قانون برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و طبق ماده ۵۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری تبصره آن، به دادگستری تهران ابلاغ نموده است و رسیدگی به جرایم اقتصادی را ضابطه‌مند نموده است به گونه‌ای که در این مجتمع دادگاههای ویژه شامل دادسرا، دادگاههای کیفری 2، کیفری یک، انقلاب، تجدیدنظر استان تهران پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده 8 این دستورالعمل ارجاع پرونده‌ها به شعبه تجدیدنظر، توسط رئیس این مجتمع به دادگاه تجدیدنظر دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

بند 6) قضازدایی در جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار و تجارت

اصولاً آیین دادرسی کیفری برای رسیدگی به دعوای کیفری دارای مراحل متعددی است که در این میان مرحله پیش دادرسی از مهمترین آن‌هاست زیرا در این عرصه است که از رهگذر اقدام‌های متعدد در راستای

شناسایی جرم ها، دلایل مربوط به آن و در واقع شناسایی جنبه‌های مختلف پدیده مجرمانه تحقیقات صورت می‌پذیرد.

دادسراهای اختصاصی در کشف تعقیب این جرایم را می‌توان در این طبقه بندی قرار داد زیرا در مرحله اول دادسراهای تخصصی با برخورداری از یک صلاحیت کامل، تمامی توان خود را برای رسیدگی به این جرایم مصرف می‌نمایند و با این اقدام رسیدگی‌های کیفری از دقت بیشتری برخوردار می‌شود.

استفاده از ضابطان ویژه در کنار ضابطان عمومی در بند ماده 29 قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است می‌تواند به مهار پدیده مجرمانه جرایم اقتصادی کمک نماید و سپس در مرحله دادرسی که از مهمترین مرحله‌های فرایند کیفری است. مراجع و کارگزاران قضایی دادگاه‌های اختصاصی پس از رسیدگی به ادعاها و دلایل مطرح شده در زمینه تعیین سرنوشت دعوی کیفری گام برمی‌دارند. اساساً سامانه عدالت کیفری اقتصادی برای رسیدن به هدف بازدارندگی مجرمین اقتصادی بر دو مدار تکیه می‌کند یکی مدار سرعت در دادرسی و دیگری مدار قاطعیت در پاسخ دهی است. چه اینکه سرعت در رسیدگی‌های کیفری اسباب یادآور رفتار کیفری را فراهم می‌آورد

لیکن باید پذیرفت که دادرسی مربوط به جرایم اقتصادی چهره‌ای چندگانه دارد که این موضوع در صلاحیت مراجع قضایی و غیرقضایی نمایانگر می‌شود. کما اینکه سازمان ملل متحد در ماده 36 کنوانسیون در مبارزه با فساد مالی دولت‌های عضو را موظف نموده که نهادهای تخصصی را در امر مبارزه با این جرایم از طریق اجرای قوانین کیفری مدنظر قرار دهند. بدیهی است که طبع و ماهیت این مراجع قضایی اختصاصی ایجاب می‌کند که به جرایمی رسیدگی نماید که نیازمند برخورد شدید و سخت گیرانه و اعمال مجازات سرکوب گرایانه به منظور پیش گیری از وقوع این جرایم باشد. شاید بتوان گفت این جرایم منحصر به مواردی می‌شود که موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌گردد و تهدیدی برای امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی کشور است و در قوانین کیفری مجازات‌های شدید درجه 4 به بالا را عمدتاً در برمی‌گیرد.

دستورالعمل شماره 9000/57310/100 مورخ 1398/5/19 تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم

اقتصادی در همین راستا است. قوه قضائیه در یک اقدام عاجل فراتقنینی به منظور تدوین سیاست کیفری مناسب و بازدارنده و مبارزه قاطع با مجاری فساد، تسریع در تعقیب، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای احکام در اجرای ماده 566 قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره آن و دست به این ابتکار زده و در حال حاضر مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی تهران تشکیل و راه اندازی شده است. این مجتمع قضایی متشکل از دادسرا، دادگاه‌های ویژه کیفری بدوی و تجدیدنظر می‌باشد.

به نظر می‌رسد تمرکز فرایند دادرسی به جرایم اقتصادی در یک ساختار اختصاصی قضایی با نگاه ویژه و استفاده از توان و ظرفیت پلیسی، امنیتی و قضایی کشور اقدامی شایسته و در خور تحسین از طرف قوه قضائیه است. هر چند نهادینه کردن این مهم نیازمند قانون گذاری و وضع آیین دادرسی افتراقی ویژه جرایم اقتصادی از طرف قوه مقننه می‌باشد. قوه مقننه در سال 97 طرح مبارزه با جرایم اقتصادی را در دو قالب طرح مبارزه با جرایم اقتصادی و طرح اعاده اموال نامشروع تقدیم مجلس شورا اسلامی نموده است که در حال بررسی است.

تشکیل سازمان ویژه متشکل از دادسرا و دادگاه‌های کیفری اقتصادی بدوی و تجدیدنظر و مرکز کشف و پیگیری جرایم در تبصره 2 ماده 1 این طرح پیش بینی شده است.

بند 1-6) اعمال تناسب جرم و مجازات در جرایم اقتصادی و حوزه کسب و کار و تجارت

تناسب جرم و مجازات به عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق کیفری همواره در نظریات نوین جرم‌شناسان و کیفرشناسان مورد توجه بوده است. اهمیت این اصل تا آنجاست که قوانین کلان در بسیاری از نظام‌های حقوقی رعایت آن را در قوانین کیفری به عنوان الزامی غیر قابل مسامحه مدنظر قرار داده و بر لزوم رعایت آن تأکید کرده‌اند. نظام حقوقی کشورمان نیز لزوم رعایت اصل تناسب جرم و مجازات را در قوانین کلان و راهبردی مدنظر قرار داده و به آن جنبه راهبردی بخشیده است. برای نمونه می‌توان به بند «ج» ماده (113) قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب 14/12/1395 اشاره کرد که تأمین اصل تناسب جرم و مجازات را در اجرای سیاست بازنگری در قوانین جزایی به عنوان تکلیفی غیرقابل تسامح دانسته و بازنگری در قوانین جزایی را از این منظر الزامی می‌داند. بررسی قوانین مرتبط با جرائم تجاری در کشور نشان می‌دهد رویکرد کیفرانگاری در خصوص جرائم مذکور با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کنونی به دور از اصل تناسب جرم و مجازات بوده و همین امر موجب کاهش کارایی قانون و حتی متروک شدن آن در میان حقوق دانان و مراجع قضایی شده است. در این باره وضعیت مجازات جزای نقدی به شدت نامناسب و ناامیدکننده است، به طوری که ارقام قید شده در رابطه با جزای نقدی مرتکبین جرائم تجاری به حدی پایین است که مخاطبان قانون را متعجب می‌کند. به عنوان مثال می‌توان به ارقام جزای نقدی مقرر در قانون تجارت مصوب 1311 و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347 اشاره کرد که به دلیل پایین بودن فاحش ارقام جزای نقدی مورد اعتنای اشخاص نیست و مقامات قضایی نیز به استناد آنها تمایل ندارند. بدیهی است با توجه به تورم افسارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی، تصویب قانون جدید به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ زیرا پس از گذشت مدتی نه چندان طولانی معضل مدنظر دوباره سر برآورده و نتیجه حاصله چیزی جز تکرار وضعیت کنونی نخواهد بود. از این رو برای برون رفت از این معضل پیشنهاد می‌شود که قانونگذار ضمن تصویب قانون یکپارچه و منسجم جدید، بازنگری در کیفرهای قانونی به ویژه جزای نقدی را متناسب با نرخ تورم به عنوان قاعده و رویه ای در بازه زمانی معین (به طور مثال سه یا پنج ساله) پیش بینی کند تصویب این امر به عهده نهادهای مجری قانون از جمله قوه قضاییه با مشارکت نهادهای مربوطه همچون هیات وزیران قرارداد تا از این طریق به روز رسانی کیفرهای تقنینی و به ویژه جزای نقدی فراهم شود.

بند 2-6) بهره‌گیری از شیوه‌های عدالت ترمیمی در حوزه کسب و کار و تجارت

قدمت مقررات کیفری در جوامع بشری به بیش از چهار هزار سال می‌رسد. اما حقوق کیفری مدرن، به عنوان رشته‌ای نظام مند و دارای اصول و قواعد کلی، ناظر به جنبه‌های شکلی و ماهوی مستقل از هم که در چارچوب

مجموعه‌هایی بنام قانون نامه (کد) تدوین و هماهنگ شده‌اند، عمری حدود دو قرن دارد. در این مقطع زمانی، جرم، فعل یا ترک فعلی قلمداد می‌شد که عمدتاً علیه منافع و مصالح عمومی جامعه ارتکاب می‌یافت و

دستگاه قضایی به عنوان نماینده جامعه و دولت، مشروعیت قانونی برای تعقیب و سرکوب آن را پیدا می‌کند. هر چند در انجام این دو رسالت (بازپروری بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم) در عمل موفق نبوده است. لذا، تراکم کار در دادگاه ها، تورم جمعیت کیفری، تضعیف شدید کارکرد بالینی زندان ها، نارضایتی عمومی از طولانی بودن فرایند رسیدگی و رفتار قضایی، دیوان سالاری قضایی، عدم رضایت عمومی از عملکرد دادگاه ها و عدم سلامت اداری دستگاه قضا، افزایش ناامنی ناشی از عملکرد نامطلوب پلیس و مراجع قضایی، بازنمایی (تصویر) اجتماعی ضعیف نظام کیفری و پرهزینه بودن آن و موارد دیگر را می‌توان از جمله دلایل بی‌توجهی نسبت به طرز کار عدالت کیفری دانست. افزون بر این، عدالت کیفری حقوق و منافع بزه دیدگان را در فرایند دادرسی مورد توجه قرار نمی‌داد و «اختلافات میان بزه دیدگان و بزهکاران را تصاحب کرده و به اشخاص درگیر در جرم به ویژه بزه دیدگان اعتنائی نمی‌کرد». جرم شناسی بودن نظام کیفری نیز بخشی از انتقادهای وارده نسبت به این سیستم است. لذا در چارچوب نظریه «عدالت کیفری استحقاقی» یا «کیفرهای استحقاقی - بایسته و شایسته» جرم، عده‌ای از اندیشمندان کیفری - به ویژه جامعه شناسان و حقوقدانان آمریکایی - با تأکید بر امنیت مدار کردن نظام کیفری، مدل «عدالت سنجشی» یا «عدالت تخمینی» یا «کیفرشناسی جدید» را مطرح کردند و به جای تکیه بر مجازات و تقویت جنبه سزاهدنگی آن، با تلفیق برخی از جنبه‌های مدل‌های سزاهدنده و بازپرورانه عدالت کیفری و نیز لحاظ منافع و حقوق بزه دیدگان و نیازهای جامعه محلی یا شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی (محل، محیط کار، همسایگان، دوستان و خانواده‌های بزهکار و بزه دیده و غیره)، مدلی برای عدالت کیفری پیشنهاد کردند که به «عدالت ترمیمی» یا عدالت ترمیم بخش و احیاگر» مشهور شد.

نتیجه گیری

تصویب قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۸/۱۱/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی حکایت از این دارد کشور ما در حال دگردیسی از نظام اقتصاد دولتی به نظام اقتصاد مبتنی بر بازار در قالب خصوصی سازی است و موفقیت در این راه، مستلزم انجام اصلاحات اساسی در تمام ساختار نهادی ارکان قدرت از جمله نظام قضایی از طریق اصلاح و تغییر لازم در قوانین موجود است. واقعیت این است مطالعه قوانین ماهوی مربوط به جرم انگاری ها و مجازات ها و مقررات شکلی مربوط به ساختار و تشکیلات قوه قضاییه بخصوص مراجع قضایی کیفری در مبارزه با جرایم اقتصادی و کسب و کار و تحقق امنیت اقتصادی دارای یک ساختار سنتی اقتصاد عمدتاً دولتی و مربوط به چند دهه گذشته است که در حال حاضر پاسخگوی نیازهای روز بخش خصوصی و قابلیت حمایت کیفری از خصوصی سازی اقتصاد کشور را ندارد.

این در حالی است که محیط کسب و کار و تجارت یک محیط پویا و رو به رشد و در تعامل نزدیک با مبادلات بازرگانی و تجاری بین المللی است. به همین ترتیب جرایم و تخلفاتی که در این حوزه رخ میدهد بعضاً سازمان یافته و با پیچیدگی و فنون تخصصی جدیدی همراه شده که تبعاً مبارزه و پیشگیری از این جرایم مستلزم اتخاذ راهبردهای جدید از طرف حکومت در تمامی ارکان قدرت بخصوص نظام قضایی را دارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد نظام قضایی کیفری بخصوص دادگاهها این ظرفیت و توانایی را دارند با اتخاذ راهبردها و رویه‌های قضایی جدید منطبق با واقعیت‌های بازار تجارت و کسب و کار از یکطرف از طریق اعمال قضازدایی، کیفرزدایی، برقراری تناسب در جرایم و مجازات‌های پرونده‌های جرایم اقتصادی و فراهم کردن موجبات رسیدگی سریع و منصفانه، ایجاد و توسعه مجتمع‌های تخصصی قضایی مرکزی از جمله تشکیل پلیس قضایی، ایجاد دادسرا و دادگاههای تخصصی و مراجع عالی قضایی تجدیدنظر از این احکام در مبارزه با جرایم اقتصادی و کسب و کار همت‌گمارد و از طرف دیگر با بهره‌گیری از جلوه‌های نوین عدالت ترمیمی مانند برنامه‌های میانجی‌گری و معامله‌اتهام، گامی نودر حمایت از بخش خصوصی و خصوصی سازی اقتصادکشور در راستای رونق و توسعه اقتصادی کشور بردارد.

منابع:

- 1) امینی، ۱۳۸۱، ص ۴.
- 2) بشر دوست، الهام، مزیدی شرف آبادی، علی، کافی، احسان، راهکارها و چالش‌های حقوق جزا و جرم شناسی در توسعه کسب و کار در کشور، دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، دانشگاه آزاد یزد، ص 2.
- 3) شهبازی نیا، مرتضی، غمامی، مجید، صدیقه، جوان، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی، دو فصل نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۹ و ۸۰، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۲۲.
- 4) کلانتری، کیومرث، 1381. تحلیل بحران در حقوق موضوعه کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن. پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، 139، ص 140.
- 5) رایجیان اصلی، مهران، 1381. تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران. مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ص 99.
- 6) سلطانفر، غلامرضا، تورم کیفری، 1383. پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ص 198.
- 7) محسنیان، علی، 1384. کیفرزدایی و جلوه‌های آن در حقوق جزای ایران، پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده معارف و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، ص 36.
- 8) جعفری، مجتبی، 1395. کیفرزدایی از جرایم کسب و کار، مجله حقوقی دادگستری، دوره 80، شماره 94، ص 122.

حسینی، سید حسین، اسمعیل زاده، لیدا، سال 93، فصل نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره 54، صفحه 219-220.

- 9) کوشکی، غلامحسین، علیزاده سرشت، نادر، سال 1394، گاهی به قلمرو جرایم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ص 102.
- 10) بهره مند بگ نظر، 225:1389.
- 11) نیازپور سیدحسن، آیین دادرسی کیفری اختصاصی، نشر میزان - صفحه 132.
- 12) محمد عبدالغریب، شرح قانون الاجراءات الجنائیه، ج 1، ص 329.

منابع انگلیسی:

- 1)Booth,Richard , (2007) “ what is a Business Crime? “ Villanova University School of Law , School of Law Working Paper Series, Paper 98, PP 127-145.
- 2)Supervisory bodies.
- 3)Fitzpatrick, David (2005) , advising the serious organized crime agency: the role of the specialist prosecutors, journal of the financial crime,London, vol.12 , iss.3 , pg 25.
- 4)Tax audil support personnel
- 5)Makodza, Erasmus (2003, Measures to combat economic crime, 28th international training course participation paper.
- 6)Informants
- 7)Hot lines
- 8)Specialization
- 9) Miller & Curry,2009:840
- 10) Heeks 19,2018